

فرا تحلیل مطالعات دین‌داری و سبک زندگی در ایران (پژوهش‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵)

محسن نیازی* ، سید سعید حسینی زاده آرانی** ، ایوب سخایی***

فاطمه یعقوبی**** ، ماشالله حسینی*****

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۵

چکیده

یکی از عواملی که نقش تعیین‌کننده در نگرش‌ها، گزینش‌ها، اعمال و سبک زندگی افراد جامعه دارد، دین و هویت دینی آنان است که در سال‌های اخیر پیشینه نظری و تجربی غنی از این ارتباط شکل گرفته است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر، به کارگیری روش فراتحلیل به منظور تحلیل و ترکیب نتایج مطالعات صورت گرفته پیرامون ارتباط میان دینداری و سبک زندگی می‌باشد. بدین منظور ۱۴ پژوهش انجام شده در بین سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ در زمینه ارزیابی ارتباط میان دینداری و سبک زندگی که در فصلنامه‌های معتبر

* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان.
** دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). hoseynizadeh۶۹@ut.ac.ir
*** دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی، دانشگاه کاشان. sakhaie۸۴@yahoo.com
**** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان. fatemeyaghoub۶۰@yahoo.com
***** دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان. mashaallah.hosseini@gmail.com

علمی به چاپ رسیده‌اند، جهت بررسی انتخاب شدند. پژوهش‌های منتخب به روش پیمایشی و با به کارگیری ابزار پیمایش در جوامع آماری متفاوت و برحسب سنجه‌های پایا به انجام رسیده‌اند. در گام نخست ارزیابی پژوهش‌های منتخب، مفروضات همگنی و خطای انتشار مورد بررسی قرار گرفتند؛ بر این اساس یافته‌ها حکایت از ناهمگنی اندازه اثر و عدم سوگیری انتشار مطالعات مورد بررسی داشتند. در مرحله دوم، ضریب اندازه اثر و نقش تعدیل‌کنندگی متغیر جنسیت، نوع جامعه و سطح تحصیلات با به کارگیری نسخه دوم نرم افزار **CMA** مورد ارزیابی قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان دادند که اندازه اثر یا ضریب تأثیر دینداری بر سبک زندگی معادل $0/314$ است که بر حسب نظام تفسیری کوهن، در حد متوسطی ارزیابی می‌شود. همچنین دینداری زنان نسبت به مردان، افراد جوان نسبت به افراد بزرگسال و افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر نسبت به افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنان دارد.

واژه‌های کلیدی: دینداری، سبک زندگی، جنسیت، نوع جامعه، سطح

تحصیلات، فراتحلیل

مقدمه و طرح مسئله

مفهوم سبک زندگی بیان‌گر امری اجتماعی است که به‌خصوص در دوران اخیر و با گسترش فناوری و بروز ایده‌ها و افکار جدید باعث تغییراتی در نقش‌ها و انتظارات افراد، خانواده‌ها و جوامع شده و دست‌مایه تحقیقات میدانی فراوانی قرار گرفته است (افسری و افخمی، ۱۳۹۲: ۱۸۲). بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، سبک زندگی به روش زندگی مردم با بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین سبک زندگی ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است (فاضل و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۱؛ قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۲). به باور گیدنز، سبک زندگی

کردارهایی است که به جریان زندگی روزمره تبدیل شده و در لباس پوشیدن، غذا خوردن، شیوه‌های کنش و محیط دلخواه برای ملاقات دیگران جلوه می‌کند. وی متذکر می‌شود که چنین رفتارهایی بازتاب هویت شخصی، گروهی و اجتماعی است (حسینی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۱). از دیدگاه ولمن^۱، سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را به‌طور واحد هدایت می‌کند و خود به‌واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد (ولمن، ۱۹۸۱: ۱۷۵؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۵). به‌طور کلی، منظور از سبک زندگی، الگوهای متنوع شکل گرفته از ارزش‌ها و باورهایی است که در میان گروه‌ها، اجتماعات کوچک و جوامع به اشتراک وجود داشته، به صورت رفتارها و طرز تلقی‌های عمومی و فراگیر ظاهر شده و سبب تمایز هر گروه یا جامعه از سایرین می‌گردد.

به باور بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه سبک زندگی، سبک زندگی با انتخابی شدن زندگی روزمره معنا می‌یابد، بدین ترتیب که برخلاف جوامع سنتی، در جامعه معاصر به‌واسطه اهمیت یافتن خود و مسئولیت شخصی و ظهور جامعه مصرفی در زندگی، قدرت انتخاب نیز بیشتر شده است و سبک‌های زندگی بازنمودی از جستجوی هویت و انتخاب فردی می‌باشند. بر پایه همین واقعیت است که سبک زندگی راهی برای تعریف ایستارها، ارزش‌ها و همچنین نشانگر ثروت و موقعیت اجتماعی افراد است (کریمی‌قهی و زادسر، ۱۳۹۲: ۸۶). اغلب افراد در این واقعیت که در دنیای مدرن با سبک‌های متفاوت زندگی روبرو هستیم، اختلافی ندارند. لیکن در این که چه عاملی موجب گرایش به انواع متفاوتی از سبک‌های زندگی می‌شود، بحث‌های نظری و کوشش‌های تجربی فراوانی صورت گرفته است. در این بین، نوع حیات دینی و گرایش‌های مذهبی افراد (دین و التزام دینی) در زمره عوامل و شرایطی است که در

تیین اقبال به سبک خاصی از زندگی مؤثر دانسته می‌شود (وبر^۱، ۱۳۸۵؛ گیدنز^۲، ۱۳۷۸؛ بوردیو^۳، ۱۳۸۱؛ ترنر^۴، ۱۳۸۷؛ زیمل^۵، ۱۹۹۰). دین‌داری یا التزام دینی، مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت انسان به دین است که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود دارد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی خداوند، خود، جامعه و تاریخ به ظهور می‌رسد. همچنین دین‌داری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به‌نحوی که شخص دین‌دار خود را ملزم به تبعیت رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۹۰:۱۳۸۰). بدین ترتیب دینداری به تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در هر فرد یا پدیده‌ای دینی بودن اطلاق می‌گردد که این تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان وی مشهود است (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۵۹).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دین و گرایش به ارزش‌های دینی می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادها شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را تحت نفوذ خود بگیرد. به عبارتی دین دائماً بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی- فرهنگی را شکل می‌دهد (زاگرن^۶، ۱۳۸۴: ۱۷۵). اگرچه تأثیر دین بر سبک زندگی در زمینه‌های گوناگون تغییر می‌کند، اما ارزش جامعه‌شناختی زیادی دارد. این نتیجه در کشورهایی به‌دست آمده است که دین در عرصه عمومی آن‌ها به‌شدت ضعیف شده است. ادیان به دلیل عرضه انبوهی از ارزش‌های متفاوتی و اخلاقی و همچنین ارائه ردیفی از رفتارهای سنتی که می‌توانند

-
۱. Weber
 ۲. Gidenz
 ۳. Bourdieu
 ۴. Turner
 ۵. Simmel
 ۶. Zuckerman

عناصر سازنده سبک زندگی باشند، قادرند نقش فعالی در ایجاد یا تغییر سبک‌های زندگی ایفا کنند (یعقوبی دوست، ۱۳۹۵: ۲۰۸). باورداشت‌های مذهبی از قدرت تعیین‌کنندگی بالایی در ایجاد انواع خاصی از جهان‌بینی، گرایش و کردار در بین افراد جامعه برخوردار هستند. از نظر دورکیم (۱۳۸۳)، باورهای مذهبی مجموعه‌ای از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها هستند که تلقین آن‌ها می‌تواند شیوه زندگی فرد را تعیین کند (حاجی‌عزیزی، ۱۳۹۲: ۴). بدیهی است که در جوامعی که نمادها، انگاره‌ها، ارزش‌ها و مناسک دینی حضور قوی دارند، سبک زندگی نیز تحت تأثیر دین قرار می‌گیرد. دین‌داری نه‌تنها می‌تواند مردم را نسبت به برخی از سبک‌های زندگی در قیاس با سبک‌های زندگی دیگر ترغیب نماید، بلکه می‌تواند تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک‌های زندگی مصرفی داشته باشد. در مجموع با توجه به این که ایران نیز یک جامعه دینی است، دین همچون سرمایه، نقشی تأثیرگذار بر کنش و سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی دارد؛ در یک جامعه دینی، افراد در تعیین شیوه زندگی خود سعی دارند تا در انجام فعالیت‌ها و انتخاب‌های خود بر اساس انتظارات دینی عمل نموده و بر اساس ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مبتنی بر دین رفتار نمایند. بر این مبنا مسئله اساسی پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان دین‌داری و سبک زندگی به روش فرا تحلیل است.

ضرورت انجام مطالعه‌ای با روش فرا تحلیل در این حوزه بدین امر بازمی‌گردد که در سال‌های اخیر در زمینه ارتباط میان مفاهیم دین‌داری و سبک زندگی مطالعات متعددی صورت پذیرفته است و این مطالعات، در حوزه‌های مختلف و از جوانب مستقیم و غیرمستقیم به بررسی ارتباط بین دو مفهوم مذکور پرداخته‌اند. گستردگی و پراکندگی مطالعات در این حوزه و رواج رویکردهای متعدد و نیز نیل به نتایج متنوع از روابط ضعیف تا متوسط و نسبتاً قوی میان دین‌داری و سبک زندگی، لزوم انجام فرا تحلیلی منسجم جهت نیل به تصویری جامع‌تر از وضع موجود موضوع و نیل به نقایص و کاستی‌های حوزه پژوهش و ارائه تصویر و چشم‌اندازی یکپارچه از یافته‌های علمی

در این حوزه را ایجاد کرده است. لذا در این مقاله تلاش شده است تا مطالعات صورت گرفته در نیمه نخست دهه ۱۳۹۰، گردآوری و نتایج آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با توجه به موارد فوق، هدف اساسی این مقاله انجام فرا تحلیل مطالعات دین‌داری و سبک زندگی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. همچنین از آنجایی که جامعه ایرانی، جامعه دینی با بافت مذهبی است، لذا در بررسی این رابطه، عمدتاً رابطه دینداری با سبک زندگی دینی مدنظر قرار دارد.

مبانی نظری

در این بخش، ابتدا مفاهیم دین‌داری و سبک زندگی به‌عنوان متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. سپس رابطه بین دو مفهوم فوق در قالب رویکردهای نظری تشریح شده است.

۱- دین و دین‌داری

دین در لغت به معنی قیدوبند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، پیروی، تسلیم و جزا است. دین در اصطلاح عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء طبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به‌منظور تعالی روح (رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). تایلر^۱ دین را اعتقاد به هستی‌های روحانی و بیس^۲ آن را نظام باورداشت‌ها، مناسک و نمادهایی می‌داند که زندگی را معنا بخشیده و درک پذیر می‌کند (نیازی و کارکنان، ۱۳۹۲: ۱۸۹). دینداری واژه‌ای ملازم با دین است، به گونه‌ای که هرگاه درباب تعریف دین به صورتی مبسوط بحث و نتیجه‌گیری شود، تعریف

۱. Taylor

۲. Bits

دینداری نیز بر این بنای مفهومی، یعنی تعریف دین استوار خواهد شد (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۸: ۲). «دینی بودن»، عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد، اطلاق می‌گردد. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و جو و شناسایی کرد. فرد متدین، از یک سو، خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین با دو نشانه می‌توان او را بازشناخت: یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری پی‌آمد دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶). دینداری در یک تعریف جامع، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (همیل‌فارب^۱، ۱۹۷۷) به طور کلی، دین‌داری پدیده‌ای ساختاری و چندبعدی و راه و روشی محسوب می‌گردد که ابعاد آن تمامی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و او را به یک هدف کلی و متعالی که همانا سعادت و خوشبختی است، رهنمون می‌سازد.

در حوزه نظری آراء متفاوتی در پیرامون توسعه دین و دین‌داری شکل گرفته است به طوری که به اعتقاد دورکیم، دین یک نظام یکپارچه عقاید و اعمال مربوط به چیزهای مقدس، پدیده‌ای سراسر جمعی و وسیله‌ای است که انسان‌ها را به همدیگر پیوند می‌زند. به نظر دورکیم، دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۴۰). وبر، دین را اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی دانسته و هدف و کارکرد تمامی ادیان را درک پذیر ساختن جهان و معنا بخشیدن به زندگی از طریق خلق نظام‌های ارزشی تعبیر کرده است (وبر، ۱۹۶۳: ۵۹). میرچاد الیاده^۲ برای تحلیل تجربه دینی به صورتی که برای انسان دیندار رخ می‌نماید، به مقایسه تجربه

۱. Himmelfarb

۲. Eliade

انسان دیندار و غیر دیندار پرداخته و نشان می‌دهد که این تجربیات و اعمال برای انسان مذهبی مقدس‌اند و در رابطه با امر قدسی قابل درک و تعریف هستند (الیاده، ۱۳۷۸: ۲۲). در رابطه با تجربه زندگی و ارتباط آن با زیست دیندارانه و غیردیندارانه، دو نوع بودن در جهان قابل تصور است: نخست زیست انسان دیندار که زندگی خود را در ارتباط با خداوند و پدیده‌های متعالی و فراطبیعی تعریف می‌کند و دیگر انسان غیردیندار که برعکس انسان دیندار، سعی در توجیه پیرامونش از طریق امور این جهانی دارد (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۲: ۸ و ۹). در بحث کارکردی و پیامدی دینداری می‌توان به مواردی نظیر انسجام بخشی، تسریع در امر جامعه‌پذیری، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و ارائه نظم اخلاقی و تقویت عواطف مشترک (دورکیم، ۱۳۸۳)، پاسخ به سوالات اساسی بشر درباره منشأ عالم، خلقت انسان، معنا و هدف زندگی (وبر، ۱۳۸۴؛ برگرا، ۱۹۶۷؛ بینگر، ۱۹۶۹)، تسکین رنج‌ها و کاهش ناامیدی در زندگی و افزایش ظرفیت تحمل پذیری و تمکین توأم با آرامش خاطر و... اشاره کرد.

در حوزه سنخ‌شناسی‌های ارائه‌شده از ابعاد دین و دینداری، کنت به ابعاد سه‌گانه دین، یعنی عقاید، عواطف و عمل، بر حسب ابعاد وجودی انسان اشاره کرده است (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶). تعبیر کنت از عمل دینی به نظام، او را به اذعان وجود جنبه‌ای در دین که برخی از آن تحت عنوان بعد اجتماعی یاد کرده‌اند، نزدیک ساخته است. اما دورکیم با عمده‌سازی بعد مناسکی در ادیان ابتدایی و تکمیل آن با بعد عقیدتی در ادیان متأخر، تنها به دو بعد تصریح نموده است و واخ^۳ با افزودن بعد معاشرت به آن دو بعد عینی، یعنی عقیدتی و مناسکی، به الگوی سه‌گانه دینداری اذعان کرده است (واخ، ۱۹۵۱؛ شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۹). گلارک و استارک نیز با بررسی ادیان جهانی و با تکیه

۱. Berger

۲. Yinger

۳. Wach

بر آراء صاحب نظران متقدم، پنج بعد اعتقادی یا باورهای دینی، مناسکی، تجربی، آگاهی یا دانش دینی و بعد پیامدی را ارائه دادند.

۲- سبک زندگی

سبک زندگی از مفاهیمی است که با وجود این که به‌طور ضمنی در اندیشه و آراء وبر و وبلن وجود دارد، ولی حیات آن متعلق به دو دهه اخیر و متأثر از کارهای پیر بوردیو و تحول در نظام طبقاتی و شکل‌گیری زندگی شهری با جوانان و نسل جدید است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۱). به لحاظ تاریخی، مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر، مطرح شده و پس از یک دوره افول، مجدداً از سال ۱۹۶۱ مورد اقبال اندیشمندان قرار گرفت. این مفهوم در دهه ۱۹۵۰ نمایانگر جایگاه اجتماعی افراد بود و با افزایش سطح رفاه، فراغت نسبی گروهی از مردم و همچنین شیوه‌های جدید نمایش و تبلیغات کالا، مصرف و اوقات فراغت، به عنوان شاخص‌های اصلی سبک زندگی مطرح شدند (بندیکتر^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۳؛ سراج زاده و باقری، ۱۳۹۶) و ادبیات جدیدی با عنوان سبک زندگی در قرن نوزدهم میلادی وارد عرصه جامعه شناسی شده است. به لحاظ مفهومی، سبک زندگی الگوی منسجمی از رفتارهای فردی و جمعی است که در عرصه خاصی از زندگی به‌صورت نمادین بروز می‌کند و بر حول محورهای مصرف، اصول اخلاقی، ارزشی و زیبایی‌شناختی یا مجموعه‌ای از عوامل بیرونی از قبیل سن، درآمد، جنسیت یا حتی جغرافیا انسجام می‌یابد و مستلزم عنصر انتخاب از میان عناصر متنوع و گوناگون ناشی از دنیای جدید و مدرنیته است. به اعتقاد وبر (۱۳۷۴)، این انتخاب تحت سیطره محدودیت‌های ساختاری هر طبقه و گروه منزلتی است و حول محور مصرف سامان می‌یابد و به‌عنوان شناسا به هویت بخشی افراد، طبقات و گروه‌های منزلتی منجر می‌گردد که هم وحدت جمع و هم تمایز را به

۱. Benedikter

همراه می‌آورد (وبر، ۱۳۸۴: ۲۱۴؛ رحمانی فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲: ۴۱-۴۲). شکل‌گیری سبک زندگی از سویی متأثر از ویژگی‌های فردی، تحصیلات (کاتز جروا، ۱۹۹۹)، جنسیت (بیهیگن^۲ و کاتز جرو، ۲۰۰۰)، انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی (بورديو، ۱۹۸۴)، پایگاه اقتصادی- اجتماعی بوده و از سویی تحت تأثیر ساختار فرصت‌ها و انتخاب‌های فردی است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۵۶؛ سراج زاده و باقری، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

در عرصه نظری، نظریاتی را که در این عرصه مطرح می‌شود، می‌توان به دو رویکرد گوناگون تقسیم نمود: در رویکرد کلاسیک، تأکید اصلی علت پیدایش سبک زندگی، یا بر ساختارهای پهن دامنه است یا بر ساختارهای تنگ دامنه، و پیوندی میان آن‌ها دیده نمی‌شود. اما در رویکرد معاصر، نوعی رابطه‌گرایی میان ساختار و عاملیت در ظهور سبک زندگی تأثیرگذار است. در این زمینه می‌توان به آراء وبر، زیمل، گیدنز، بورديو و بلن اشاره کرد. ماکس وبر بیش از هر یک از جامعه‌شناسان کلاسیک وارد مباحث سبک‌زندگی شده است. به باور وبر، تعامل تمایلات و منابع، کنش یا به تعبیری انتخاب‌های فرد یا جمع را پدید می‌آورد که به الگو یا مجموعه حاصل آن، سبک زندگی اتلاق می‌گردد. به نظر وی سلوک زندگی و فرصت‌های زندگی، دو مؤلفه اساسی سبک زندگی هستند. سلوک زندگی به انتخاب‌هایی اشاره دارد که افراد در گزینش سبک زندگی‌شان دارند (کاکرام^۳، ۲۰۰۰: ۱۶۱؛ رضادوست و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۸) و فرصت‌های زندگی، اشاره به فرصت‌هایی دارد که افراد به دلیل موقعیت اجتماعی‌شان از آن برخوردار می‌باشند. با توسل به این دو مفهوم، وبر اعلام می‌دارد که افراد سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند و فعالیت‌هایی را که مشخصه آن است انجام می‌دهند اما انتخاب‌های آنان تحت تأثیر موقعیت زندگی آنها است. به اعتقاد زیمل،

۱. Katz-Gerro

۲. Bihagen

۳. Cocerham

سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ عینی‌اش و شناساندن آن به دیگران (زیمل، ۱۹۰۸). زیمل نخستین فردی بوده که به مسئله فراغت و مصرف‌گرایی در عصر مدرن توجه کرده و در مقاله مدگرایی خویش، مصرف و مد را از عناصر اصلی در فرایند تمایز یابی اجتماعی و یکی از راه‌های رهایی از فشارهای ساختاری جامعه می‌دانست (زیمل، ۱۹۰۴). به باور آنتونی گیدنز، سبک زندگی، برنامه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره به حساب می‌آورد که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین برخورداری از نوعی وحدت است که پیوند بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم‌وبیش منظم و نیز تداوم امنیت وجودی را تأمین می‌کند. وی معتقد است که مدرنیته و وضعیت زندگی حاصل از انقلاب صنعتی، سبک‌های زندگی را متأثر می‌سازد. مدرنیته، فرد را رودر روی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیت غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل بیاورد یاری کند، این امر پیامدهای گوناگونی به دنبال دارد که یکی از این پیامدها به اهمیت یافتن سبک زندگی مربوط می‌شود. به نظر گیدنز، گزینش یا ایجاد سبک‌های زندگی، تحت تأثیر فشار گروه‌ها و الگوهای رفتاری آنها و همچنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

پیر بوردیو (۱۹۸۴) کامل‌ترین نظریه در زمینه سبک زندگی را در اثر خویش (تمایز) ارائه داد. وی با مفهوم فضای اجتماعی، سبک‌های زندگی مختلف را نشان می‌دهد. فضاها اجتماعی بر مبنای میزان سرمایه فرد ساخته می‌شوند، هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد. او استدلال می‌کند مردمی که به طور نزدیک در یک فضای اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌هایی بسیار هستند، حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. به عبارت دیگر، مردمی که در فضای اجتماعی مشابهی قرار دارند، ذائقه‌های مشابه و سبک‌های زندگی مشابهی

دارند. در واقع به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک‌های زندگی و ذائقه وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به وجود می‌آیند و به وسیله این سلیقه‌ها و ظرفیت تکنیک‌کننده آنها، مجموعه انتظام یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به وجود می‌آیند که درون خود از نوعی وحدت و سیره‌ها برخوردارند (بورديو، ۱۳۸۱: ۳۳ و ۳۵). ویلن نیز در اثر خویش با عنوان طبقه تن‌آسا (۱۳۸۳)، مصرف تظاهری را به مثابه یکی از عناصر هویت بخش گروهی و متمایزکننده نزد برخی گروه‌ها در نظر می‌گیرد و بر این اندیشه است که داشتن سبک زندگی خاص و خودنمایی برای نشان‌دادن تعلق به گروهی خاص در جامعه به برجسته کردن تمایزهای گروه‌های دیگر منجر شده است.

همچنین برای سنجش سبک زندگی نیز مؤلفه‌ها و ابعاد مادی و غیرمادی متعددی طرح شده است. به عنوان مثال، ویلن و زیمل، مؤلفه‌های سبک زندگی را شامل شیوه تغذیه، خودآرایی، نوع مسکن، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطوار (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست و دل بازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آنها) می‌دانند. آدلر^۱ در این زمینه بر رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکت به سوی هدف، پارسونز بر خودرو خانوادگی، یخچال، ماشین لباسشویی و تلویزیون (جنبه‌هایی که ناشی از فناوری مدرن زمان او بود)، وارنر^۲ بر نحوه گذران اوقات فراغت، تفاوت‌های دینی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و شیوه‌های تربیت کودک و بورديو (۱۹۸۴) بر دارایی‌ها (کالاهای تجملی یا فرهنگی مانند خانه، ویلا، قایق تفریحی، ماشین، اثاثیه، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، نوشابه‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها)، فعالیت‌های متمایزکننده مانند ورزش‌ها، بازی‌ها، تفریحات، لباس پوشیدن، رسیدگی به ظاهر خود، نحوه استفاده از زبان و بودجه‌بندی (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۵) تأکید می‌کردند. سنخ‌شناسی‌های سبک زندگی

۱. Adler

۲. Varner

نیز از تنوع زیادی برخوردار است: سبک زندگی شبه‌مدرن، سبک زندگی پیشامدرن، سبک زندگی لذت‌محور، سبک زندگی علم‌محور، سبک زندگی جهان‌محلی، سبک زندگی ورزش‌محور، سبک زندگی مبتنی بر سلامت، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی فرهنگی.

۳- دین و سبک زندگی

در چشم‌اندازی کلی، دین و سبک زندگی اجزایی از یک فرهنگ‌اند که در تعامل با یکدیگر بوده و تعاریف و ویژگی‌های آن‌ها سبب شده است تا امکان ارتباط و همبستگی میان آن‌ها قوت بیشتری به خود بگیرد، چرا که سبک زندگی رفتار ناشی از تمایلات و ترجیح‌های فردی است که متأثر از ارزش‌ها و معانی افراد بوده و دین، یکی از این نظام‌های معنایی است (افسری و افخمی، ۱۳۹۲: ۱۸۵). به‌عبارتی‌دیگر، بسیاری از باورها و ارزش‌ها در میان مردم یک جامعه مشترک است و به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارد. اشخاص برای صیانت از ارزش‌ها و باورهایشان مبارزه می‌کنند و برای حفظ آن‌ها می‌کوشند و چون کارکردهای گوناگون و متعددی دارند، نقش و تأثیر شگرفی در حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها برجای گذاشته و می‌گذارند. بنابراین در یک جامعه دینی افراد می‌کوشند بر اساس باورهایشان رفتار کنند. لذا اعتقاد به باورها و عمل به آن‌ها می‌تواند بر شیوه زندگی فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد و در واقع مفهوم سبک زندگی منعکس‌کننده طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و باورهای دینی محسوب می‌گردد. در این زمینه رویکرد گیدنز، زیمل و بوردیو از قدرت تبیینی زیادی برخوردار است. گیدنز در نظام نظری خویش بر این ایده است که جهان در عصر مدرنیته شدیداً متأخر با رویکرد بازاندیشی در همه امور قرار دارد. در این دوران، اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می‌گیرند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۹۳) و در پرتو این بازاندیشی و برخورداری افراد عصر کنونی از توانایی

انتخاب، سبک زندگی شکل می‌گیرد. البته در فرهنگ‌های پیشامدرن نیز یک چنین انتخاب‌هایی مشهود بود اما گزینه‌های انتخابی در آن دوران، آنچنان با هم شباهت داشتند و دامنه و تعدادشان محدود بود که سبب می‌شدند تا سبک زندگی مشخصی برای هر فرهنگی تعریف شده باشد و همه افراد متعلق به فرهنگ‌های یکسان با سبک زندگی تقریباً مشابهی زندگی کنند (گیدنز، ۱۳۷۸). حاصل این انتخاب سبک زندگی در دوران جدید این است که فرد به یکی از قشرها و گروه‌های اجتماعی که دارای سبک زندگی مشابه با او هستند، تعلق می‌یابد. با این وجود، در جوامع نیمه سنتی و نیمه مدرنی نظیر ایران، منابع هویتی سنتی نظیر دین که از توسعه و گسترش زیادی در جامعه برخوردار بوده و جامعه به نوعی هنوز یک جامعه دینی است، دین، اصول و باورهای مذهبی افراد، نقش مؤثری در شکل دادن به سبک زندگی شهروندان داشته و عناصر مذهبی در تاروپود هویت و شیوه زندگی آنها قابل مشاهده‌اند.

همچنین رویکرد نظری بوردیو به سبک زندگی که برگرفته از فلسفه دیالکتیکی وی است و عوامل ایجادکننده تمایز در سبک‌ها را از رهگذر شیوه‌های مختلف تملک سرمایه در نظر می‌گیرد، حائز اهمیت بسیاری است. وی روش نهادینه‌شدن فلسفه دیالکتیکی‌اش را از طریق مفهوم عادت‌واره میسر می‌داند. این مفهوم شامل نظام‌های گرایشی بادوام و قابل‌انتقال و بستر شکل‌گیری سلاقی متفاوت است (چنی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). عادت‌وارگی می‌تواند مصداق روح دینی در جامعه ایرانی باشد که به‌نوعی در ذهن افراد جامعه درونی شده و قابل‌انتقال است. به باور بوردیو، دین سه نوع سرمایه را در اختیار افراد قرار می‌دهد:

۱. در وهله نخست دین مشتمل بر یک جهان‌بینی و یک نظام معنایی است که نوعی سرمایه فرهنگی را در اختیار افراد می‌گذارد.
۲. دوم آن‌که دین‌داری یک نظام نمادین و شعاعی است که به پیروان خود سرمایه‌های نمادین می‌بخشد.

۳. سوم این که دین‌داری گروه یا اجتماعی از پیروان است و همچنین نهاد و سازمانی نسبتاً منسجم از روحانیون است که سرمایه‌ای اجتماعی در هر جامعه پدید می‌آورند (بورديو، ۱۳۸۱: ۹۳؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۹۱: ۲۲۱).

دین در نگاه بورديو به‌عنوان ساختار ذهنی برخاسته از منش فرد است و عمل دینی از رابطه دیالکتیکی میدان و منش دینی به دست می‌آید. از نظر وی، کلیسا نوعی منش دینی را متناسب با ساختار اجتماعی به جامعه تحمیل می‌کند لذا افراد مختلف با سرمایه‌های متفاوت مذهبی (میزان پایین یا بالای دین‌داری) دارای ترجیحات و ذائقه‌های متمایز و تا حدی متضاد در نحوه خوراک، پوشاک، اوقات فراغت، مدیریت بدن و... می‌شوند و در نهایت سبک‌های زندگی آن‌ها تحت نفوذ دین یا کاهش نفوذ دین شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد. لذا دین در ایجاد عادت‌واره‌ها، سلیقه‌ها و زیبایی‌شناسی و در نتیجه در سبک‌های زندگی نقش ایفا کرده و جدای از سبک‌های زندگی بخصوص دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل است. بدین لحاظ می‌توان اذعان داشت که سبک زندگی افراد دیندار بیشتر بر اساس معیارهای دینی شکل گرفته و با بالا رفتن سطح دینداری، افراد در رفتار مصرف بیشتر صرفه‌جو می‌شوند، سطح مدیریت بدن آن‌ها سنتی‌تر و دین‌مدارتر می‌گردد، رفتارهایی که نماد فراغت عمومی را دارند در آن‌ها کمتر دیده می‌شود و بیشتر رفتارهایی که نماد فراغت مذهبی دارد، انجام می‌دهند (سراج زاده و باقری، ۱۳۹۶: ۱۴۸ و ۱۴۹). به عبارتی دیگر، با افزایش میزان دینداری، انتخاب الگوهای سبک زندگی به سمت الگوهای همسو با حفظ سنت و ارزش‌های دینی در جامعه میل می‌کند. با توجه به این موارد، اهمیت فضای اجتماعی جوامع مختلف در شکل‌دهی به شیوه‌های زندگی آشکار می‌گردد، چراکه فضای اجتماعی در هر جامعه، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری نوع خاصی از سرمایه بر جای می‌گذارد. به عنوان مثال، در جامعه ایران دین از دیرباز از عناصر اساسی جامعه به شمار رفته و همواره نوعی عامل پایدار در کنش و رفتار اجتماعی بوده است. از این‌رو فضای اجتماعی جامعه ایرانی، فضایی دینی است که به تشکیل سرمایه دینی

افراد تأثیر زیادی دارد. این فضای دینی و اسلامی سبب می‌گردد تا سبک زندگی و شیوه زیست افراد به سوی الگوهای دینی نیل یافته و در نتیجه، افراد با درونی کردن این وضعیت و نمادهای آن (منش)، در نظام طبقه‌بندی اجتماعی جایگاه مشخصی کسب کرده و سبک و شیوه زندگی خاصی اتخاذ می‌نمایند.

روش‌شناسی پژوهش

رویکرد غالب روش‌شناختی در پژوهش حاضر، فراتحلیل است. فراتحلیل یک روش تحلیل نظام‌مند، آماری، کمی، گذشته‌نگر، تحلیلی و استقرایی است که تحقیق را در راه رسیدن به یک دیدگاه و چشم‌انداز کلی هدایت می‌کند. پیش‌فرض اصلی روش فراتحلیل آن است که هر مطالعه‌ای برآورد متفاوتی از پارامتر و روابط موجود در جامعه را نشان می‌دهد و از تجزیه و تحلیل نظام‌مند انبوهی از داده‌ها، برآورد دقیق‌تری از پارامتر جامعه به دست می‌آید (هومن، ۱۳۹۰: ۱۰۰). روش فراتحلیل، مرکب از چند مرحله است؛

- (۱) تعریف موضوع پژوهش: موضوع پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان دین‌داری (متغیر مستقل) و سبک زندگی (متغیر وابسته) می‌باشد.
- (۲) جمع‌آوری نظام‌مند مطالعات انجام‌شده در زمینه موضوع مدنظر: جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در ایران مابین سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۵ است که در یکی از پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، مجلات تخصصی نور، بانک اطلاعات نشریات کشور و مرکز اسناد و مدارک علمی ایران نمایه شده و یا در یکی از فصلنامه‌های معتبر داخلی منتشر شده باشد. این تعداد تا قبل از مرحله غربال مطالعات، ۲۳ مطالعه را شامل می‌شود.
- (۳) غربال مطالعات و گزینش مطالعات مناسب: جهت غربال‌گری و نمونه‌گیری از جامعه یادشده، ۱۴ سند پژوهشی که حائز شرایط و ملاک‌های انتخاب همچون

داشتن ضریب همبستگی، سطح معنی‌داری و مشخص بودن حجم نمونه، بودند گزینش و جهت ترکیب کمی نتایج و بدست آوردن نتیجه واحد احصاء شدند. همچنین لازم به ذکر است که تمامی این مطالعات از ابزار پیمایش و تکنیک پرسش‌نامه مبتنی بر طیف لیکرت جهت سنجش دینداری و سبک زندگی استفاده کرده‌اند و با توجه به این مطلب در مرحله غربال مطالعات، سندهای پژوهشی با اعتبار بالاتر در دایره شمول فراتحلیل قرار گرفته‌اند.

۴) گردآوری اطلاعات لازم از هر یک از مطالعات: فهرست اطلاعاتی که از مطالعات مذکور استخراج شده است شامل موارد زیر است: اطلاعات عمومی (نام نویسنده(ها)، سال انتشار، جامعه آماری)، اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش (ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری) و حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری. در این مرحله علاوه بر گردآوری داده‌های، هر یک از مطالعات کدبندی شده و برای مرحله بعدی در نرم‌افزار CMA وارد گردید.

۵) محاسبه اندازه اثر: روش اصلی فراتحلیل مبتنی بر ترکیب نتایج است که معمولاً پس از تبدیل آماره‌ها به شاخص (r) و برآورد اندازه اثر مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است در این پژوهش آماره‌های پژوهشی با استفاده از رویکرد هانتر و اشمیت^۱ به شاخص r تبدیل شد. جهت تحلیل استنباطی داده‌ها نیز ابتدا به بررسی مفروضات فراتحلیل پرداخته شده است، به نحوی که به کمک نمودار قیفی^۲ و روش رگرسیون خطی^۳ اگر^۳ همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار^۴ و N ایمن از خطا به بررسی خطای انتشار و به با آزمون Q به بررسی ناهمگونی مطالعات پرداخته شد، سپس با توجه به ناهمگونی بین مطالعات مورد بررسی مدل اثرات تصادفی جهت

۱. Hunter & Schmidt

۲. Funnel Plot

۳. Egger, s Linear Regression Method

۴. Begg & Mazumdar Rank Correlation

ترکیب نتایج و رسیدن به اندازه اثر به کار گرفته شد. در جدول شماره (۲) خلاصه اطلاعات مربوط به مطالعات مختلف پیرامون رابطه بین دین‌داری و سبک زندگی نمایش داده شده است.

جدول ۲- خلاصه اطلاعات جمع‌آوری شده

ردیف	محقق و سال	جامعه آماری	حجم نمونه	ضرایب	نمونه‌گیری
۱	حجازی و حیدرخانی (۱۳۹۳)	جوانان	۳۷۲	۰/۳۱۰	خوشه‌ای
۲	حسینی زاده و همکاران (۱۳۹۴)	بزرگسالان	۵۲۴	-۰/۱۶۹	خوشه‌ای
۳	خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۲)	جوانان	۵۶۰	-۰/۱۹۵	تصادفی
۴	رضادوست و همکاران (۱۳۹۴)	جوانان	۳۷۶	۰/۵۱	طبقه‌ای
۵	رفعت جاه و وفادار (۱۳۹۳)	بزرگسالان	۵۰	-۰/۳۷۲	تصادفی
۶	سهراب زاده و عشایری (۱۳۹۴)	بزرگسالان	۳۲۰	۰/۳۲۷	تصادفی
۷	قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)	بزرگسالان	۱۲۹	۰/۲۵۴	طبقه‌ای
۸	کریمی قهی و زادسر (۱۳۹۲)	جوانان	۳۶۱	۰/۱۴۸	خوشه‌ای
۹	کوهی و احمدی (۱۳۹۴)	بزرگسالان	۵۳۲	۰/۱۶	خوشه‌ای
۱۰	گلایی و همکاران (۱۳۹۴)	جوانان	۴۸۳	۰/۲۶۷	خوشه‌ای
۱۱	نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱)	جوانان	۲۹۴	۰/۴۶	خوشه‌ای
۱۲	نیازی و کارکنان (۱۳۹۲)	بزرگسالان	۶۴۰	۰/۳۱۲	سهمیه‌ای
۱۳	یعقوبی دوست (۱۳۹۵)	جوانان	۳۸۳	۰/۶۵۸	خوشه‌ای
۱۴	حبیب پور و بابایی (۱۳۹۳)	بزرگسالان	۳۸۳	۰/۱۲۶	خوشه‌ای

در جدول شماره (۳) ضمن برآورد اندازه اثر تفکیکی پژوهش‌های برگزیده مبتنی بر یک مقیاس مشترک، اثرات ترکیبی ثابت و تصادفی کلی نیز مشخص گردید.

جدول ۳- خلاصه اطلاعات مربوط به فرا تحلیل بر روی پژوهش‌های نمونه

ردیف	محقق و سال	اندازه اثر	حد پائین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۱	حجازی و حیدرخانی (۱۳۹۳)	۰/۳۱۰	۰/۲۱۵	۰/۳۹۹	۶/۱۴۹	۰/۰۰۱
۲	حسینی زاده و همکاران (۱۳۹۴)	۰/۱۶۹	۰/۰۸۵	۰/۲۵۱	۳/۸۹۵	۰/۰۰۱
۳	خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۲)	۰/۱۹۵	۰/۱۱۴	۰/۲۷۳	۴/۶۶۲	۰/۰۰۱
۴	رضادوست و همکاران (۱۳۹۴)	۰/۵۱۰	۰/۴۳۱	۰/۵۸۱	۱۰/۸۶۸	۰/۰۰۱
۵	رفعت جاه و وفادار (۱۳۹۳)	۰/۳۷۲	۰/۱۰۴	۰/۵۸۹	۲/۶۷۹	۰/۰۰۱
۶	سهراب زاده و عشایری (۱۳۹۴)	۰/۳۲۷	۰/۲۲۵	۰/۴۲۲	۶/۰۴۴	۰/۰۰۱
۷	قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)	۰/۲۵۴	۰/۰۸۵	۰/۴۰۹	۲/۹۱۵	۰/۰۰۴
۸	کرمی قهی و زادسر (۱۳۹۲)	۰/۱۴۸	۰/۰۴۵	۰/۲۴۷	۲/۸۲۱	۰/۰۰۵
۹	کوهی و احمدی (۱۳۹۴)	۰/۱۶۰	۰/۰۷۶	۰/۲۴۲	۳/۷۱۲	۰/۰۰۱
۱۰	گلایی و همکاران (۱۳۹۴)	۰/۲۷۶	۰/۱۹۱	۰/۳۵۶	۶/۲۰۸	۰/۰۰۱
۱۱	نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۱)	۰/۴۶۰	۰/۳۶۵	۰/۵۴۶	۸/۴۸۳	۰/۰۰۱
۱۲	نیازی و کارکنان (۱۳۹۲)	۰/۳۱۲	۰/۲۴۰	۰/۳۸۰	۸/۱۴۶	۰/۰۰۱
۱۳	یعقوبی دوست (۱۳۹۵)	۰/۶۵۸	۰/۵۹۷	۰/۷۱۱	۱۵/۳۸۶	۰/۰۰۱
۱۴	حبیب پور و بابایی (۱۳۹۳)	۰/۱۲۶	۰/۰۲۶	۰/۲۲۳	۲/۴۶۹	۰/۰۱۴
	اثرات ترکیبی ثابت	۰/۳۰۰	۰/۲۷۵	۰/۳۲۴	۲۲/۶۴۶	۰/۰۰۱
	اثرات ترکیبی تصادفی	۰/۳۱۴	۰/۲۲۱	۰/۴۰۱	۶/۳۶۸	۰/۰۰۱

بر طبق جدول (۳) در تمامی ۱۴ مطالعه مورد بررسی، ارتباط میان دین‌داری و سبک زندگی با اطمینان ۹۹٪ معنادار بوده و بزرگ‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (یعقوبی دوست) و کوچک‌ترین مقدار اندازه اثر مربوط به مطالعه (حبیب پور و بابایی) است. همچنین هر دو اثرات ثابت و اثرات تصادفی در سطح ۱٪ معنادار هستند.

یافته‌های پژوهش

در گام نخست مطالعات مبتنی بر فراتحلیل، می‌بایست به بررسی مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این روش پژوهشی، یعنی همگن بودن پژوهش‌های صورت گرفته و بررسی خطای انتشار، پرداخته شود.

۱. بررسی مفروضه همگنی (آزمون Q)

جدول (۴) نتایج حاصل از آزمون Q

شاخص آماری	مقدار آزمون (Q)	درجه آزادی (Df)	سطح معنی‌داری (P -Value)	I-Squared (I^2)
نتایج	۱۷۳/۵۹۴	۱۳	۰/۰۰۱	۹۲/۵۱۱

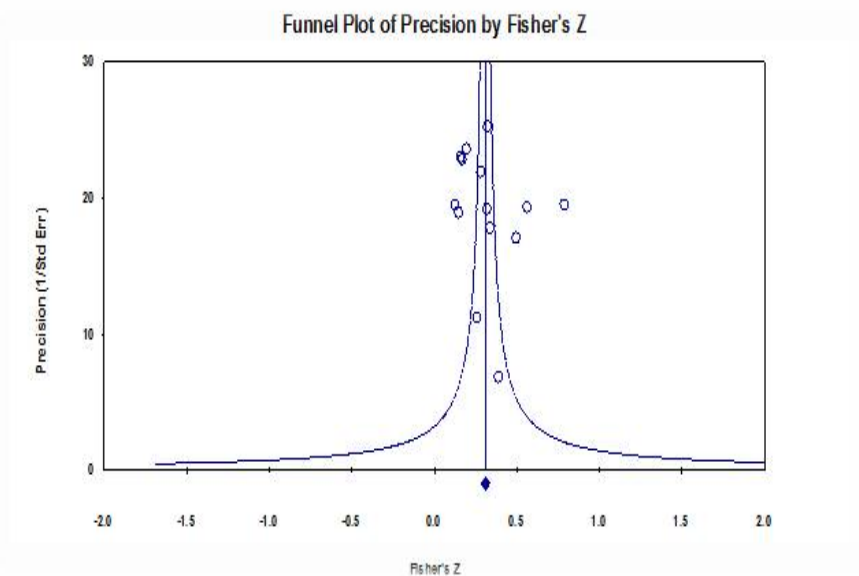
با توجه به نتایج حاصل از آزمون ($Q = 173/594, P < 0.01$)، با اطمینان ۹۹٪ فرض صفر مبنی بر همگن بودن مطالعات انجام‌شده رد گردیده و فرض ناهمگونی میان پژوهش‌ها تأیید می‌شود. به بیانی دیگر معنادار بودن شاخص Q نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است، اما از آنجاکه این شاخص به افزایش تعداد اندازه اثر حساس بوده و با افزایش تعداد اندازه اثر توان این آزمون برای رد همگنی بالا می‌رود، مجذور I شاخص دیگری است که به همین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضریب مجذور I دارای مقداری از صفر تا ۱۰۰٪ است و در واقع مقدار

ناهمگنی را به صورت درصد نشان می‌دهد. هرچه مقدار این ضریب به ۱۰۰ درصد نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده ناهمگنی بیشتر اندازه اثر پژوهش‌های اولیه است. نتایج حاصل از ضریب مجذور I مؤید این مطلب است که حدوداً ۹۲ درصد از تغییرات کل مطالعات به ناهمگنی آن‌ها مربوط است. لذا تلفیق آن‌ها با مدل آثار ثابت موجه نیست و باید از مدل آثار تصادفی به منظور ترکیب نتایج استفاده کرد. در واقع این آزمون به ما می‌گوید که رابطه بین دین‌داری و سبک زندگی، به شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت است. به عبارتی دیگر، بررسی تأثیر دین‌داری در شکل-گیری سبک‌های زندگی به ویژه سبک زندگی دینی، متأثر از برخی ویژگی‌ها و خصائصی است که بر رابطه میان این دو متغیر ورود کرده و به مثابه یک عنصر تعدیل کننده، تأثیر دین‌داری و باورهای مذهبی را بر سبک زندگی افراد، کم و زیاد می‌کند. لذا متغیرهای میانجی یا تعدیل‌گر، عموماً آن دسته از ویژگی‌های پژوهش قلمداد می‌گردند که باعث ایجاد اندازه اثر بزرگ و نیز ویژگی‌هایی می‌شوند که علت اندازه اثر کوچک هستند (ظهیری، ۱۳۸۸:۵۳). به اعتقاد روزنتال و دی ماتئو^۱ (۲۰۰۲)، بررسی و شناسایی این دسته از متغیرها در مطالعات و پژوهش‌های مبتنی بر فراتحلیل، هم بر رشد و گسترش تئوری‌ها کمک می‌کند و غنای مطالعات تجربی را بالا می‌برد و هم به نوعی مبین پیوستگی‌ها و پیوندهایی است که برای درک واقعیت‌های اجتماعی و رفتاری مورد بررسی مفید هستند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این مسئله، در این پژوهش از متغیرهای تعدیل‌گر جنس، نوع جامعه و سطح تحصیلات برای مشخص کردن واریانس و محل تفاوت‌های ارتباطی میان دین‌داری و سبک زندگی استفاده می‌شود.

۲. بررسی مفروضه خطای (تورش) انتشار

از جمله مشکلاتی که موجب مخدوش شدن اعتبار نتایج فراتحلیل می‌شود عدم دسترسی محقق به تمام مطالعاتی است که در فاصله زمانی خاص در موضوع مورد بررسی انجام شده‌اند. به‌منظور بررسی این مفروضه از نمودار کیفی و روش رگرسیون ایگر، روش همبستگی رتبه‌ای بگ و میزومدار و N ایمن از خطا استفاده شده است.

۲.۱. نمودار کیفی



شکل ۱- نمودار کیفی مبتنی بر خطای انتشار

نمودار کیفی وارونه تا حدودی تداعی‌کننده تقارن نسبی مطالعات انجام‌شده است. به عبارتی دیگر، از آنجایی که نمودار کیفی، پراکندگی میانگین اثرات تحقیقات را حول محور میانگین نشان می‌دهد، لذا در صورتی که دقت مطالعات بیشتر شود، نمودار کیفی

به دست آمده حاکی از عدم سوگیری انتشار خواهد بود. لذا با توجه به تقارن نسبی مطالعات و پژوهش‌های دینداری و سبک زندگی در دو سوی نمودار، می‌توان بیان داشت که مطالعات مذکور به لحاظ میانگین اثر دینداری بر سبک زندگی از پراکندگی برخوردار نیستند و اندازه تأثیر دینداری بر سبک زندگی در تمامی این مطالعات به میزان میانگین نزدیک بوده و از دقت کافی برخوردارند. با این وجود، قضاوت صریحی در این مورد نمی‌توان انجام داد و می‌بایست برای این منظور از آزمون‌های آماری مربوطه (روش رگرسیونی خطی اگر و...) استفاده شود. در این روش فرض صفر (H_0) بیانگر متقارن بودن نمودار و عدم سوگیری انتشار بوده و فرض خلاف (H_1) بیانگر عدم تقارن نمودار کیفی و سوگیری انتشار است.

۲.۲. همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار، همبستگی رتبه‌ای (تاوکندال) بین اندازه اثر استاندارد و واریانس این اثرات را مشخص می‌کند. تفسیر این ضریب به این صورت است که در آن مقدار صفر دال بر نبود رابطه بین اندازه اثر و دقت است و انحراف از صفر از وجود رابطه حکایت می‌کند.

جدول ۵- نتایج حاصل از بررسی روش همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

سطح معنی‌داری (P -Value)		Z-Value	مقدار ضریب کندال (τ)	شاخص آماری
دو دامنه	یک دامنه			
۰/۲۲۸	۰/۱۱۴	۱/۲۰۴	۰/۲۴۱	نتایج

بر طبق اطلاعات جدول فوق، مقدار تائو کندال بی برابر با ۰/۲۴۱ شده است که با توجه به مقدار معناداری ($P = ۰/۱۱۴$) می‌توان ادعان داشت که اگرچه بین اندازه اثر و

دقت رابطه وجود دارد اما این رابطه معنادار نیست و فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌گردد.

۲.۳. رگرسیون خطی اگر

در نبود سوگیری انتشار انتظار می‌رود در تحقیقات کوچک اثر استاندارد کوچک و در تحقیقات بزرگ، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شود. این امر حالت خط رگرسیونی را ایجاد می‌کند که برشی از خط رگرسیون اصلی است. اگر برش خط رگرسیونی با سطح مورد انتظار تفاوت داشته باشد علت آن ممکن است سوگیری انتشار باشد.

جدول ۶- نتایج حاصل از بررسی روش رگرسیون خطی اگر

سطح معنی‌داری (P-Value)		t-Value	خطای استاندارد (SE)	برش (B)	شاخص آماري
دو دامنه	یک دامنه				
۰/۵۲۵	۰/۲۶۲	۰/۶۵۴۵۳	۴/۱۳۵۲۹	۲/۷۰۶۶۷	نتایج

بر اساس نتایج رگرسیون خطی اگر، برش برابر با (۲/۷۰۶۶) و فاصله اطمینان ۹۵٪ برابر با ۰/۶۵ است. از آنجاکه مقدار P یک دامنه ۰/۲۶۲ و دو دامنه ۰/۵۲۵ است، لذا بیانگر این مطلب است که فرض صفر مبنی بر متقارن بودن نمودار کیفی و عدم سوگیری انتشار تأیید می‌گردد. لذا در تحقیقاتی که به بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی پرداخته و این رابطه را در نمونه کوچکی مورد بررسی قرار داده اند، اندازه اثر این رابطه، طبعاً در حد کوچک بوده و در پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه بین این دو متغیر پرداخته اند و این رابطه را در نمونه بزرگی مورد بررسی قرار داده اند، اثر استاندارد بزرگ مشاهده شده است.

۲.۴. N ایمن از خطا

این آزمون تعداد مطالعات گمشده یعنی تعداد مطالعات مؤید فرضیه صفر را که باید به تحلیل اضافه شوند و از لحاظ آماری یک اثر کلی غیرمعنادار به دست داده و نتیجه را تغییر می‌دهد، پیشنهاد می‌کند.

جدول ۷- محاسبات N ایمن از خطا

مقدار	شاخص
۲۲/۵۶۶	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۰۰	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۵۰۰۰	آلفا
۲	باقیمانده
۱/۹۵۹	Z برای آلفا
۱۴	تعداد مطالعات مشاهده شده
۱۸۴۲	تعداد مطالعات گمشده‌ای که مقدار P را به آلفا می‌رساند

آماره‌های حاصل از محاسبه ضریب N ایمن از خطا بیانگر این مطلب‌اند که باید تعداد ۱۸۴۲ مطالعه دیگر صورت گرفته و بررسی شود تا مقدار P دوسویه ترکیب شده از ۰/۰۵ تجاوز نکند، به این معنی که باید ۱۸۴۲ مطالعه دیگر انجام شود تا در نتایج نهایی محاسبات و تحلیل‌های ارتباطی میان دینداری و سبک زندگی خطایی رخ دهد و این نتیجه حاکی از دقت و صحت بالای اطلاعات و نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش است. همچنین نشان می‌دهد که ارتباط میان دینداری و سبک زندگی به مثابه دو سازه اجتماعی، ارتباطی ساختمند و پیوسته بوده و این پیوستگی ریشه در پیشینه نظری و ارتباط قوی میان این دو متغیر دارد که سبب شده است تا این ارتباط در این سطح تأثیر باقی بمانند. در مجموع نتایج حاصل از پنج روش بررسی سوگیری انتشار، حاکی از عدم وجود سوگیری انتشار است.

۳. ضریب اندازه اثر

با توجه به این که پس از بررسی مفروضات فراتحلیل این نتیجه حاصل شده که باید از مدل اثر تصادفی به منظور ترکیب نتایج جهت گزارش اندازه اثر استفاده شود، لذا در جدول شماره (۸) گزارش اندازه اثر مطالعات انجام شده در مدل تصادفی ارائه شده است.

جدول ۸- اندازه اثر مطالعات رابطه بین دین‌داری و سبک زندگی

P-Value	Z-Value	حد بالا	حد پائین	اندازه اثر (r)	تعداد مطالعات	
۰/۰۰۱۰	۰/۳۶۸	۰/۴۰۱	۰/۲۲۱	۰/۳۱۴	۱۴	رابطه بین دین‌داری و سبک زندگی

محاسبات آماری بیانگر این مطلب هستند که میانگین اندازه اثر دین‌داری بر سبک زندگی در نمونه مورد پژوهش معادل ۰/۳۱۴ می‌باشد. از آنجایی که اندازه برآورد شده در محدوده اطمینان می‌باشد، لذا باید اذعان داشت که تأثیر دین‌داری بر سبک زندگی تأیید می‌شود. لازم به ذکر است برآورد نقطه‌ای به دست آمده (۰/۳۱۴) بر مبنای معیار کوهن (جدول ۹) حاکی از اثر در حد متوسط است. به طور کلی باورها و ارزش‌ها به ویژه در جوامعی که رنگ و بوی دینی بیشتری دارند، در میان بسیاری از مردم مشترک بوده و به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند. لذا افراد برای صیانت از این ارزش‌ها و باورها به مبارزه دست زده و برای حفظ آنها تلاش زیادی می‌کنند و از آنجایی که این باورها و ارزش‌ها کارکردهای زیادی برای جامعه دارند، نقش و تأثیر شگرفی در حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها برجای می‌گذارند. لذا در جوامع دینی نظیر ایران، از آنجایی که تمامی تلاش شهروندان در راستای همسویی رفتارهایشان با باورهایشان می‌باشد، لذا اعتقاد به

باورها و عمل به اصول و مناسک دینی بر سبک زندگی و شیوه زیست آنها تأثیر گذاشته و بدان‌ها سمت و سوی خاصی می‌بخشد.

جدول ۹- نظام تفسیر اندازه اثر کوهن

<i>D</i>	<i>r</i>	اندازه اثر
۰/۲	۰/۱	کم
۰/۵	۰/۳	متوسط
۰/۸	۰/۵	زیاد

با توجه به نتایج حاصل از ناهمگونی مطالعات و تصدیق مفروضات فراتحلیل سعی بر این است که در راستای مشخص کردن این ناهمگنی از متغیر تعدیل‌کننده استفاده شود تا از این طریق بتوان به تعیین واریانس بین مطالعات پرداخت، چراکه فراتحلیل‌های نوین تنها به تعیین اندازه اثر نمی‌پردازند، بلکه تلاش می‌شود تا آن دسته از ویژگی‌های پژوهش که باعث ایجاد اندازه اثر بزرگ و نیز ویژگی‌هایی می‌شود که علت اندازه اثرهای کوچک است، نیز موردسنجش قرار گیرد. در این پژوهش متغیر جنسیت به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است.

۴. بررسی نقش تعدیل‌کنندگی متغیرهای جنسیت، نوع جامعه و سطح تحصیلات
 نتایج حاصل از بررسی متغیر جنسیت، نوع جامعه و سطح تحصیلات به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده به شرح جدول صفحه بعد است:

جدول ۱۰- نتایج اندازه‌های اثر ترکیبی مربوط به رابطه دین‌داری و سبک زندگی به

تفکیک جنسیت

مدل اثرات تصادفی			تعداد	متغیر	
P-Value	Z-Value	اندازه ترکیبی	اندازه اثر		
۰/۰۰۱	۳/۷۸۴	۰/۳۶۹	۷	زنان	جنسیت
۰/۰۰۱	۸/۶۹۸	۰/۲۵۷	۷	مردان	
۰/۰۰۱	۹/۴۱۴	۰/۲۶۶	۱۴	کل	
۰/۰۰۱	۴/۶۴۲	۰/۳۷۹	۷	جوانان	نوع جامعه
۰/۰۰۱	۶/۲۳۷	۰/۲۳۲	۷	بزرگسالان	
۰/۰۰۱	۷/۵۷۸	۰/۲۵۶	۱۴	کل	
۰/۰۰۱	۱۱/۱۷۶	۰/۲۱۸	۵	دیپلم و پایین‌تر	سطح تحصیلات
۰/۰۰۱	۱۴/۳۴۶	۰/۳۹۵	۴	فوق‌دیپلم و بالاتر	
۰/۰۰۱	۲۲/۶۴۶	۰/۳۰۰	۹	کل	

نتایج مندرج در جدول فوق حاکی از این است که؛

(۱) در بین زنان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۳۶۹ و در گروه مردان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۲۵۷ بوده که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اندازه اثر در هر دو گروه مردان و زنان ۰/۲۶۶ است. به بیانی دیگر، دین‌داری زنان تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنان نسبت به مردان داشته است.

(۲) در بین جوانان اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۳۷۹ و در گروه بزرگسالان اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۲۳۲ بوده که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اندازه اثر در هر دو گروه جوانان و بزرگسالان ۰/۲۵۶ است. به بیانی دیگر، دین‌داری جوانان تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنان نسبت به بزرگسالان داشته است. در واقع سبک زندگی جوانان بیشتر از بزرگسالان تحت تأثیر میزان دین‌داری آنها است.

۳) در بین افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر اندازه اثر در مدل تصادفی ۰/۳۹۵ و در گروه افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر اندازه اثر با مدل تصادفی ۰/۲۱۸ بوده که هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار است. همچنین اندازه اثر در هر دو گروه افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر و افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر ۰/۳۰۰ است. به بیانی دیگر، دین‌داری افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنان نسبت به افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر داشته است. لذا تحصیلات نقش تعدیل‌کننده بالایی در تأثیر دین‌داری بر سبک زندگی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مفهوم سبک زندگی از مفاهیم جدیدی است که در جوامع مدرن و به دنبال ظهور و گسترش فردیت و اهمیت یافتن انتخاب‌های زندگی روزمره و به‌عبارت‌دیگر، اتخاذ سیاست زندگی پدید آمده، اما در شرایط کنونی مدرنیته غربی از طریق رسانه‌های عمومی و فرایند نوسازی، در سایر جوامع نیز گسترش یافته است. از جانی با درهم‌آمیختگی شدید ارزش‌های دینی و مدرن، قدرت تأثیر نهاد دین به حوزه‌های خاص و فردی محدود شده و مخصوصاً با کم‌رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی، رواج انتخاب‌گری فردی در حوزه دین و ترکیبی شدن اصول فکری و عقیدتی افراد، دیگر تنها عامل اثرگذار بر واکنش افراد نسبت به مسائل اجتماعی مختلف، تصمیم‌گیری‌ها و نظرات سخنگویان نهاد دین نیست. بدین لحاظ شاهد افول قدرت دین در شکل‌دهی به سبک زندگی افراد در حوزه خصوصی و عمومی در میان بسیاری از ملت‌ها هستیم. لذا این مسئله ضرورت انجام پژوهشی پیرامون ارتباط میان دین‌داری و سبک زندگی را در ایران بیشتر می‌سازد و از آنجایی که در این حوزه تاکنون مطالعات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته که هر یک تصویری متفاوت از این رابطه ارائه داده‌اند، لذا انجام مطالعاتی در قالب روش جامع‌نگری همچون فراتحلیل بیش‌ازپیش

هویدا شده است چراکه ترکیب نتایج و استفاده از پژوهش‌های صورت یافته پیشین به‌عنوان واحد تحلیل برای کسب تصویری کلی و شفاف از یک موضوع پژوهشی، به‌مراتب مؤثرتر و مفیدتر از تعریف طرح‌های پژوهشی جدید است. بدین ترتیب با گردآوری و بررسی ۲۰ پژوهش تجربی و غربال آن‌ها، ۱۴ مطالعه وارد فرایند فراتحلیل شده و نتایج آن‌ها همسو با یکدیگر به مورد بحث و بررسی آماری قرار گرفت. نتایج ارزیابی این پژوهش‌ها در وهله نخست نشان‌دهنده وجود ناهمگنی در اندازه اثر پژوهش‌های اولیه بود. به‌عبارتی‌دیگر، شواهد نشان دادند که رابطه بین دین‌داری و سبک زندگی، به‌شدت به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات مطالعات متفاوت است (آزمون همگنی Q). همچنین نمودار کیفی، آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار، رگرسیون خطی اگر و آزمون N ایمن از خطا حاکی از عدم وجود سوگیری انتشار بودند.

در بعد تحلیلی یافته‌ها نشان دادند که میانگین اندازه اثر یا تأثیر سازه دین‌داری بر سبک زندگی، معادل ۰/۳۱۴ می‌باشد که بر مبنای نظام تفسیر ارائه‌شده از سوی کوهن، بیانگر تأثیر متوسط دین‌داری بر سبک زندگی است. همچنین در مقایسه با میانگین اندازه اثر کل، ۷ مطالعه از ۱۴ پژوهش مورد بررسی اندازه اثری بالاتر از ضریب حاصله و ۷ پژوهش نیز اندازه اثری پایین‌تر از آن کسب کرده‌اند. این میزان تأثیر نشان می‌دهد که دین و اعتقادات و التزامات دینی در جوامعی همچون ایران که بافت آن، آمیخته با اصول و ارزش‌های دینی است، همچنان بخش اصلی از هویت افراد را شکل می‌دهد. به‌عبارتی‌دیگر، در میان شهروندان ایرانی دین و رویه‌های دینی نقش بسیار اساسی و مهم در گزینش‌های زندگی روزمره دارد و ایرانیان همواره تلاش می‌کنند تا شیوه زندگی و انتخاب‌هایشان تا حدود زیادی مطابق با دین و آموزه‌های دینی و سنتی باشد. بدین لحاظ دین‌داری بر اتخاذ سبک مدرن زندگی یا مقاومت در برابر آن تأثیر می‌گذارد و هرچه میزان دین‌داری افراد (به لحاظ اعتقادات و عمل به مناسک و نمایان بودن دین‌داری در زندگی روزمره) بیشتر باشد، کمتر از سبک‌های زندگی مدرن و احراز هویت و تشخیص از طریق آن پیروی می‌کنند. وبر در تبیین نظری این همبستگی، این

توانایی بالقوه را در دین می‌دید که می‌تواند بر رفتار و شیوه تفکر افراد اثر بگذارد و معتقد بود که ایده‌ها، نیروهای مؤثر در تاریخ هستند. باکاک بر این باور است که دین نه تنها مردم را نسبت به‌گزینش برخی سبک‌های زندگی ترغیب می‌نماید بلکه تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای در کنترل فرهنگ مصرفی و سبک زندگی مصرفی دارد (حسینی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). بورديو معتقد بود که فرد با برآورده کردن نیازهای خود در واقع فرصتی برای سبک دادن به فعالیت‌هایش از طریق انتخاب‌های روزانه‌اش پیدا می‌کند. از دیدگاه وی وجود عناصر دینی در فرهنگ موجود و پای بندی به دین در نوع و اندازه این وابستگی‌ها و نیازهای او و در نتیجه شکل‌گیری سبک زندگی او مؤثر بوده (افخمی و افخمی، ۱۳۹۲:۲۰۴) و در نهایت سبک‌های زندگی آن‌ها تحت نفوذ دین یا کاهش نفوذ دین، شکل سنتی یا مدرن می‌گیرد. در واقع سبک زندگی منعکس‌کننده طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و باورها و نیز راه و روش زندگی است که بیان‌کننده ایستارها و ارزش‌های یک فرد یا یک گروه بوده و ارزش‌ها و باورهای مشترک گروه و جامعه (ارزش‌ها و باورهای دینی) در الگوهای سبک زندگی افراد و گروه‌ها تجلی می‌یابند (مک‌کی^۱، ۱۹۶۹: ۸۱). این رابطه به‌ویژه در ابعاد سبک زندگی تجسم می‌یابد:

* کسانی که به دنبال مدیریت بدن هستند، از میزان دین‌داری کمتری برخوردار دارند. به‌عبارتی‌دیگر، کاهش وابستگی جامعه به مذهب، سبب دست‌کاری فیزیولوژیکی بدن شده است و مد و لوازم‌آرایش، تصویر فرد را از خویشتن مطابق با آنچه که فرد را بهتر نشان می‌دهد، تغییر داده و روند کاذبی را نشان می‌دهد و باعث می‌شود تا افراد مرزهایی که مذهب به‌عنوان تابو قرار داده است، بشکنند (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

* مذهب و دین، بر انتخاب افراد در حوزه مصرف تأثیر گذاشته و محدودیت‌هایی را در مصرف برخی کالاها و خدمات اعمال می‌کنند و به فرد اجازه

خوردن و پوشیدن هر چیزی و قدم گذاشتن به هر جایی را نمی‌دهد. همچنین دین با مصرف غیرضروری و تجملاتی نیز منافات دارد. برای افراد دین‌دار معیار سنتی بودن و برای افراد با سطح دین‌داری پایین‌تر، مدرن بودن در مصرف واجد اهمیت بیشتری است.

* دین و آموزه‌های مذهبی در بعد فعالیت‌های فراغت مدارانه نیز آثار خود را بر جای گذاشته و به‌جا آوردن مناسک جمعی و یا کاربرد آموزه‌های دینی در زندگی، می‌تواند موجب کاهش گرایش افراد به فعالیت‌های فراغت مدرن شود و افراد دین‌دارتر گرایش بیشتری به رفتن به اماکن مقدس و مسجد، سفرهای زیارتی و... دارند (یعقوبی دوست، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

علاوه بر این، در بعد تحلیلی شواهد آماری بیانگر مثبت بودن نقش تعدیل‌گری سه متغیر جنسیت، نوع جامعه و سطح تحصیلات در رابطه میان دین‌داری و سبک زندگی بودند. به‌عبارتی‌دیگر دین‌داری زنان، جوانان و افراد با تحصیلات فوق‌دیپلم و بالاتر تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنان نسبت به مردان، بزرگسالان و افراد با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر دارد. اگر این مسئله از زاویه‌ای دیگر ملاحظه شود شاهد این خواهیم بود که سه گروه فوق یعنی زنان، جوانان و افراد با تحصیلات بالاتر بیشتر در معرض جریان‌های تغییر و سبک‌های زندگی مدرن در ابعاد مدیریت بدن، سبک‌های فراغت مدارانه مدرن و مصرف بیشتر در جامعه‌اند. حال آنکه در جامعه ایرانی که جامعه‌ای دینی است و شیوه‌های زندگی و بسیاری از افکار و کنش‌های جوانان، زنان و افراد تحصیل‌کرده بر اساس مفاهیم و باورهای دینی تعیین می‌شود، سبک زندگی آن‌ها تأثیرات بیشتری از مضامین دینی پذیرفته و از بعد مدرن آن کاسته می‌شود. بدین ترتیب، شواهد موجود نشان از آن دارند که در زمینه ارزش‌های دینی، اعتقادات دینی، انجام مناسک دینی فردی، پیامدهای دینی، فکر کردن درباره معنای زندگی، نیایش با خدا خارج از فرایض و عبادات دینی و در اعتقاد به آرامش بخش بودن دین، زنان از مردان به طور معنی‌دارتری دین‌دارتر بوده و تفاوت‌های جنسیتی در این زمینه در ایران

بیشتر نمود می‌یابد (مدیری و آزاد ارمکی، ۱۳۹۲). بالطبع، این گرایش‌ها دینی فزون‌تر نزد زنان، آثار خود را در اصول اعتقادی و رفتاری مرتبط با زیست اجتماعی بیشتر نشان داده و تأثیر عمیق‌تری بر سبک زندگی آنها نسبت به مردان می‌گذارد، به طوری که اعتقادات دینی بیشتر زنان، مدیریت و دستکاری فیزیکی بدن را در چهارچوب اصول دینی و اسلامی محدود و مقید کرده، مصرف افراطی، غیرضروری و در راستای خودنمایی و تظاهر را کاسته و اوقات فراغت آنها را در چارچوب ارزش‌ها و رفتارهای دینی و با رویکرد جمعی و سنتی شکل می‌دهد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که دینداری جوانان تأثیر بیشتری بر سبک زندگی آنها برجای می‌گذارد. این یافته بدین مسئله باز می‌گردد که تمایز و هویت یابی جوانان در جامعه‌ای که بافت مذهبی و دینی دارد، تا حدود زیادی مبتنی بر نمادهای اسلامی و رفتارهای با محوریت دین است و جهان بینی دینی آنان، شیوه زندگی شان را متأثر می‌سازد. در این زمینه دورکیم اذعان داشته است که باورداشت‌های دینی و مذهبی از قدرت تعیین‌کنندگی زیادی در ایجاد انواع خاصی از جهان‌بینی و گرایش‌ها و کردارها در بین افراد جامعه برخوردار هستند (دورکیم، ۱۳۸۳) و تلقین این باورداشت‌ها با افراد، به ویژه جوانان که در فرایند جامعه‌پذیری و الگوگیری اجتماعی قرار داشته و در این زمینه، دین و اصول مذهبی و نیز الگوها و مثال‌واره‌های دینی از قوای حاکمیتی بیشتری در فرایند اجتماعی شدن آنها برخوردارند، می‌تواند جهان بینی و ایدئولوژی آنها را متأثر ساخته و جوانان را در راستای نوعی سبک زندگی مبتنی بر معیارهای دینی هدایت کند. لذا تأثیر دین بر سبک زندگی نسبت به تأثیرات هم‌ارز از دیگر منابع هویتی بر جوانان نسبت به سایر گروه‌های جمعیتی بالاتر است.

در نهایت تحلیل‌های تعدیل‌گری این پژوهش نشان دادند که تحصیلات بالا، نقش تعدیل‌کنندگی زیادی در رابطه با تأثیر دینداری بر سبک زندگی دارد. این یافته را می‌توان بدین مسئله نسبت داد که آموزه‌های دینی تأکید زیادی بر خودشکوفایی علمی (تحصیلی) داشته و با توجه به این که غالب ادیان نظیر اسلام هدف خود را رساندن

انسان به سعادت و کمال دانسته و سعادت و کمال نیز یک نیاز درونی، روحی و در عین حال بیرونی است، لذا خودشکوفایی و پیشرفت علمی نیز یک نیاز اصیل درونی و در عین حال بیرونی قلمداد شده که احساس عزت نفس، معنادار بودن زندگی، احساس امنیت و رضایت از خود را نزد فرد بالاتر می‌برد. توسعه این احساسات به مثابه جزئی از تعریف واقعیت اجتماعی دینی، فرد را به سوی شیوه‌هایی از زندگی هدایت می‌کند که آغشته به عناصر دینی است. در نهایت پیشنهاد می‌شود تا مؤسسات و نهادهای اجتماعی و فرهنگی با فرهنگ‌سازی و تقویت مثبت نگرش‌های مذهبی در قالب سبک‌های مناسب و سازنده، کیفیت و جهت تأثیر نگرش مذهبی بر سبک زندگی را مدیریت کنند.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۶). زندگی روزمره در ایران: زندگی روزمره، قدرت و فرهنگ، تهران: جهاد دانشگاهی تهران.
- الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده. (۱۳). مفهوم سبک زندگی، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱.
- الیاده، میرچاد. (۱۳۷۸). مقدس و نامقدس، ترجمه: نصرالله زنگویی، تهران: انتشارات سروش.
- افسری، عبدالحمید؛ افخمی، آلیسیا. (۱۳۹۲). بررسی میزان تأثیر دینداری بر سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه ملی کلمبیا، مطالعات سیاسی - اجتماعی جهان، دوره سوم، شماره اول.
- باکاک، روبرت. (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه: خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه.

- بوردیو، پیر. (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ترنر، برایان. (۱۳۸۷). مصاحبه دین و مدرنیته، ترجمه: هادی نیلی، سایت نشریه علمی جامعه شناسی ایران.
- چنی، دیوید. (۱۳۸۲). سبک زندگی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- حاجی عزیزی، بهار. (۱۳۹۲). مطالعه رابطه دین و سبک زندگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- حسینی زاده، سیدسعید؛ سخایی، ایوب؛ غفاری، مسعود. (۱۳۹۴). پژوهشی در باب رابطه بین دینداری و سبک زندگی. (مورد مطالعه: شهروندان کلان شهر تهران)، فصلنامه جامعه شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم.
- حجازی، سیدناصر؛ حیدرخانی، هاییل. (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان دینداری و سبک زندگی جوانان، مطالعات جامعه شناسی، سال ششم، شماره بیست و سوم.
- حشمت یغمایی، محمدتقی (۱۳۸۰). دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- حبیب پورگتابی؛ کرم، بابایی همتی، زرنوش. (۱۳۹۳). رابطه بین دینداری و مصرف‌نمایشی زنان شهر تهران. (مطالعه موردی منطقه ۵)، مطالعات راهبردی زنان، سال هفدهم، شماره ۶۵.
- خواجه نوری، بیژن؛ ریاحی، زهرا؛ مساوات، ابراهیم. (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی با میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شهر شیراز، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی. (واحد شوشتر)، سال هفتم، شماره ۲۰.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). صور ابتدایی حیات دینی، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

- رحمانی فیروزجاه، علی؛ سهرابی، سعیدیه. (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری. (مطالعه موردی شهر ساری)، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره اول.
- رضادوست، کریم؛ حسین‌زاده، علی حسین؛ شعبانی، ناهید. (۱۳۹۴). تأثیر دینداری بر سبک زندگی. (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم.
- رفعت جاه، مریم؛ وفادار، زینب. (۱۳۹۳). سبک زندگی و نسبت آن با هویت دینی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی، دوره سوم، شماره دوم.
- زاکرمن، فیل. (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: لوح فکر.
- سهراب زاده، مهران؛ عشایری، طاها. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه شناختی رابطه دینداری و سبک زندگی شهروندان. (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل، کاشان)، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره چهارم.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۳). چالش‌های دین و مدرنیته: بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، تهران: طرح نو.
- سراج زاده، سیدحسین؛ پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۸). سنجش دینداری با رهیافت بومی، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران. (تحقیقات علوم اجتماعی ایران)، سال اول، شماره ۲.
- سراج زاده، سیدحسین؛ رحیمی، فرشید. (۱۳۹۲). رابطه دینداری با معناداری زندگی در یک جمعیت دانشجویی، راهبرد فرهنگ، شماره ۲۴.

فرا تحلیل مطالعات دین‌داری و سبک زندگی در ... ۷۵

- سراج زاده، سیدحسین؛ باقری، لیلا. (۱۳۹۶). تحلیل نظام‌مند پژوهش‌های سبک زندگی بعد از دهه ۸۰ مطالعات فرهنگ و ارتباطات، دوره ۱۸، شماره ۳۷.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری، نامه جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره اول.
- ظهیری، هوشنگ. (۱۳۸۸). فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده در بخش تعاون، وزات تعاون: معاونت پژوهش، برنامه ریزی و آموزش تعاون، دفتر پژوهش‌ها و مطالعات تعاون.
- فاضل، امین‌الله؛ حق‌شناس، حسن؛ کشاورز، زهرا. (۱۳۹۰). قدرت پیش بینی ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره ۳.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، تهران: انتشارات صبح صادق.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ میرزائی، حسین؛ جاذبی، خالد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان مفاهیم سبک زندگی و هویت مذهبی در شهر و روستا. (مورد مطالعه: جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر بوکان و سه روستا. (سلامت، کوره کانی و گلوکان سفلی)، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲.
- قاسم پور، علی؛ همایی، رضا؛ موسوی، ستار. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط بین دینداری با سبک زندگی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره دوم.
- کرمی قهی، محمدتقی؛ زادسر، زینب. (۱۳۹۲). سنجش بررسی رابطه دینداری و سبک زندگی. (مطالعه موردی زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران)، زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱.

- کوهی، کمال؛ احمدی، آرمان. (۱۳۹۴). مطالعه جامعه شناختی ارتباط بین دینداری و سبک زندگی محیطی. (مورد مطالعه: زنان و مردان متأهل شهر سنندج)، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم.
- گلابی، فاطمه؛ آقاییاری هیر، توکل؛ ساعی، مرضیه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه دینداری با میزان مصرف گرایی شهروندان شهر تبریز و زمینه اجتماعی مرتبط با آن (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز)، فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مدیری، فاطمه؛ آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۲). جنسیت و دینداری، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۴، شماره ۳.
- مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۹۱). دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
- نصرتی، شیما؛ ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۹۱). تأثیر دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- نیازی، محسن؛ کارکنان نصرآبادی، محمد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان. (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۶.
- نیازی، محسن؛ حسینی‌زاده، سیدسعید؛ سخایی، ایوب. (۱۳۹۵). فراتحلیل (نظریه تا کاربرد)، تهران: انتشارات سخنوران.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۴). اقتصاد و جامعه، ترجمه: منوچهری، ترابی نژاد و عماد زاده، تهران: مولی.

فرا تحلیل مطالعات دین‌داری و سبک زندگی در ... ۷۷

- وبر، ماکس. (۱۳۸۵). اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- وبلن، توستین. (۱۳۸۳). نظریه طبقه تن آسا، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۰). راهنمای عملی فرا تحلیل در پژوهش علمی، تهران: سمت.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- یعقوبی دوست، محمود. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی (مورد مطالعه: زنان شهر اهواز)، دوفصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، سال سوم، شماره ۷.

- Bihagen, E. and Katz-Gerro, T. (2000). Culture consumption in Sweden: The stability of gender differences. *Poetics*, Vol 27(5), pp. 327-349, Available from: www.elsevier.nl/locate/poetic.
- Berger, P. (1967). *The sacred canopy: elements of a sociological theory of religion*. New York: Anchor Books.
- Benedikter, R., Anheier, M. & Juergen, S. (2011). *Lifestyle, the Sage Encyclopedia of Global Studies*, Illionis
- Bradford, V. (2003). Theorizing Religion with Bordieu against Bourdieu, *Sociological Theory*, Vol. 21, No. 2.
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste*. London: Routledge.
- Himmelfarb, H.S. (1975). Measuring religious involvement, *Social Forces*, 53 (4). Pp 606-618.

- Katz-Gerro, T. (1999). Cultural Consumption and Social Stratification: Leisure Activities, Musical Tastes, and Social Location, *Sociological Perspectives*, Vol. 42, No. 4 (Winter, 1999), pp. 627-646, Published by: University of California Press, Available from: www.jstor.org/stable/1389577
- Mckee, J. B. (1969). *Introduction to Sociology*, Holt Rinehart & Winston Inc.
- Simmel, G., (1957[1904]). Fashion. *American Journal of Sociology*. ۶۲, ۵۴۱-۵۵۸
- Simmel, G. (1908). *Sociology: Inquiries into the Construction of Social Forms* (2 Vols) (ed., trans. Anthony J. Blasi, Anton K. Jacobs, Matthew Kanjiranthinkal, intro. Horst J. Helle. Leiden and Boston: Brill, 2009; GSG 11).
- Simmel, G. (1990). *The Philosophy of Money*, Tom Bohmer and Pavid Frisby, Newyork: Rotledge
- Wach, J. (1951). Universal religion, J. Wach (ed.) *type of religious experience, christian & none Christian*. Chicago: university of Chicago press.
- Weber, M. (1963). *The sociology of religion*. Beacon press.
- Wolman, B. (1981). *Contemporary Theories & System in Psychology*, Plenum Press.
- Yinger, J.M. (1969). A structural examination of religion, *Journal for the scientific study of religion*, 88-100.